

نثری گفته می‌شود که به‌ظاهر گفتن و نوشتن آن آسان نماید، اما نظیر آن گفتن یا نوشتن دشوار باشد. از ویژگی‌های شعر و نثر سهل ممتنع، آن است که شاعر و نویسنده، معانی بسیار در لفظ اندک بگنجانند و زبانی که به کار می‌برد، زبانی ساده و روشن و استوار و به زبان محاوره نزدیک باشد. در ادب پارسی، برای نمونه سهل ممتنع، می‌توان از تمامی آثار سعدی، قصیده‌های فرخی سیستانی، بخش‌هایی از تاریخ بیهقی، سیاست‌نامه، قابوسنامه و نیز اشعار ایرج میرزا نام برد. این بیت سعدی «به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی‌آری - جواب داد که آزادگان تهیدستند» از بهترین نمونه‌های سهل و ممتنع در ادب فارسی است.

منابع: لغت‌نامه، زیر «سهل و ممتنع»؛ واژه‌نامه هنر شاعری، ۱۴۱.

درویدیان

سیاحت‌نامه ← سفرنامه

سیاست‌نامه ← آداب‌الملوک

سیاقه‌الاعداد (si.yā.qa.tol.aē.dād)، در لغت به معنی مرتب کردن شماره‌ها و در اصطلاح بدیع دو معنی دارد: یکی آن است که چند چیز جداگانه و پشت سرهم با صفت یا فعلی مشترک هماهنگ شوند؛ «فریاد که از شش جهت راه بیستند - آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت» (حافظ) معنی دیگر سیاقه‌الاعداد، آوردن اعداد در شعر، به صورت مرتب است: «بزن یک، بزن دو، بزن سه، بزن چار - ز اندازه مگذر، نگه کن، نگه دار» (سیمین بهبهانی) نوع دیگر آن، آوردن اعداد به صورت معکوس است: «ده‌بار ز نه سپهر و از هشت بهشت - هفت اخترم از شش جهت این نامه نوشت / کز پنج حواس و چار ارکان و سه روح - ایزد به دو عالم چو تو یک بت نسرشت» و نوع دیگر آن، آوردن اعداد به صورت مشوش است: «ای به شش روز از دو حرف این هفت ایوان ساخته - زیر طاق هفت ایوان چار ارکان ساخته» برخی سیاقه‌الاعداد را با اعداد مرادف دانسته‌اند. برخی دیگر، فقط به نوع اول آن اعداد و به باقی انواع سیاقه‌الاعداد گفته‌اند که منطقی‌تر به نظر می‌رسد؛ و برخی نیز این صنعت را تعدید نامیده‌اند.

منابع: بدایع‌الانکار، ۱۱۵؛ ترجمان‌البلاغه، ۶۱ - ۶۲؛ حدائق

السر، ۵۰ - ۵۱؛ درهٔ نجفی، ۱۴۹ - ۱۵۰؛ روش گفتار، ۲۹۹؛ زیورهای

سخن، ۳۰۵ - ۳۱۰؛ سبک خراسانی در شعر فارسی، ۱۳۷

شروانی در قصیده‌ای در مدح منوچهر بن فریدون شروانشاه. ۱۱- خاقانی شروانی در دو قصیده و یک غزل که در غزل به همهٔ اندام‌های زیبای محبوب خود سوگند می‌خورد: «به دو میگون لب پسته دهنّت - به سه بوس خوش فندق شکنت / به زره‌پوش قد تیر وشت - به کمان کش مؤذ تیغ زنت / به حریر تن و دیبای رخت - به ترنج پرو سیب ذقنت». ۱۲- نظامی گنجوی در چند جا از خسرو و شیرین و اقبالنامه ۱۳- سعدی در باب دهم بوستان در مناجات و ختم کتاب که در آن جا خدای را سوگند می‌دهد: «خدایا به عزت که خوایم مکن - به ذل گنه شرمسارم مکن». ۱۴- مولوی در برخی از غزلیاتش. ۱۵- کمال‌الدین اسماعیل در قصیده‌ای بلند در ۲۰۴ بیت. ۱۶- اوحدی در مثنوی جام جم. ۱۸- خواجوی کرمانی در برخی قصاید و یک ترکیب بند*. ۱۹- سلمان ساوجی در قصیده‌ای در مدح سلطان اویس جلایری. ۲۰- اهلای شیرازی در قصیده‌ای در سوگ شهیدان کربلا که در آن خدای را به حق رسول مصطفی (ص) و به حق امامان سوگند می‌دهد. ۲۱- عرفی شیرازی در قصیده مفصل ترجمه‌الشوق در ستایش علی (ع). ۲۲- میر سنجر کاشانی در ساقی‌نامهٔ خود: «الهی به پاس خرابایان - الهی به عجز مناجاتیان / به مستان از خویشتن شسته دست - سر از پا ندانان روز الست / به گم کرده راهان شب‌های تار - به دریانوردان دور از کنار /... / که لب تشنه در وادی محشرم - رسانی به سرچشمهٔ کوثرم». ۲۳- ظهوری در ساقی‌نامه. ۲۴- فتحعلی‌خان صبا در قصیده‌ای به مطلع «به طرف گلشن خضرا دمید لالهٔ روشن - نشان نمائد ز نرگس، اثر نمائد ز سوسن». ۲۵- طرب اصفهانی در غزل قسمیه که در آن به اندام‌های زیبای معشوق خود سوگند می‌خورد: «به لب لعل چو دُرّ عدنت - به سر زلف چو مشک ختنت / به دلارام قد خوش روشت - به روان‌بخش لب خوش سخت».

منابع: شعر و ادب فارسی، ۳۰۵ - ۳۰۶؛ لغت‌نامه، زیر سوگند و

«سوگندنامه»؛ سوگند در ادب فارسی، در صفحات فراوان.

Britannica, 8/847.

برزگر

سه تایی ← تریلوژی

سه گانه ← تریلوژی

سهل و ممتنع (sah.lo.mom.ta.neʿ)، / سهل ممتنع، به قطعه شعر یا